

نظر بنیر سیرد در ایران

تظییم کتبه : علی نصیر پسان



تکيه دولت

سردار يوناني بزرگهاي ايران ناخست و سورا سردار ايراني بقابليله او رفت و جنگيد درنتيجه کراسوس سردار يوناني کشته شد و سرش را نزد ارد پادشاه اشکاني که باارمنستان رفته بود فرستادند ارد پادشاه اشکاني بناستيني با پادشاه ارمنستان صلح کرده خواهرروي را براي پسر خود گرفت بود . درضيافتي که بهمين مناسبت برپا بود صحنه « آکاوه » يکی از پرسنازهاي تراژدي « باکانت ها » تصنيف « اودي پيد » داننايش ميدادند .

در اين هنگام سيلوس سر کراسوس را در مجلس ضيافت آورد و در پاي شاهنشاه ايران انداخت . حضار کف زدند و هنر پيشه اي که صحنه « آکاوه » را بازي ميکرد ، سر کراسوس را پراشادند و از زبان « آکاوه » اشعاري مناسب با اين وضعت خواندند که اين مناسب خواني بي نهايت در حضار مؤثرواقع شد . شسايه بدليل اينکه پادشاه اشکاني بزبان و ادبيات يوناني آشنائي داشته از تراژديهاي

ترقي و تمدن بر خوردار بودند به هنرها توجه بر نظيري ميشد .
تأثير يونان ، و زمينه بر برکت و رونق خاص اين هنر و در آن عصر خلاصتي ، نيسازي به معرفتي ندارد .

با توجه به اثری که شدن دو کشور مقابل روی هم داشته ، چگونه ممکن بوده است اين هنر ايرانيان را خوش نيامده و از آن بکلي بي بهره مانده باشند .

کتبه ديگر که شاسپسان توجه است ، چهارپهائي است روي تخت سنگهاي بزرگ که از دوران قبل از اسلام ايران بجامانده با توجه مختصري باين تايلوها که هر کدام بنظور خاصي بوجود آمده ذوق و حس نمايش سازندگان آن در طرز قرار گرفتن آدمها در جاهاي مختلف و مناسب حرکت بدن آنها ترکیب تا بلوغ حس ميشود .

ديگر اينکه به يقين بايد گفت در زمان اشکانيان تراژديهاي « اودي پيد » را در دربار نمايش ميدادند .

« پلوتارك » ميتويسد ، مار کوس کراسوس

تأثير دورۀ پيش از اسلام

هنگاميکه سخن از تأثير ملکتی بيان ميآيد ، ذوق ديدن يا مطالعه نايشاهي از آن ملکت در انسان جان ميگيرد . بايد اينطور هم باشد چرا که وقتي

ما ميگوئيم تأثير زانين که نايشاهي زانين را دروي صحنه ديده يا مطالعه کرده ايم و اين خود دليل غير قابل انکار وجود اين سنت هنري در کشور مزبور ميشاهد .

ما نايشاهي از دوران پيش از اسلام ايران دور دست نداريم همچنين بسا توجه به مطالعات و تحقيقاتي که در اين زمينه بعمل آمده وجود اين هنر در آن دوران نيتوانيم انکار کتيم .

در انجا ما با اولين نکته اي که بر ميخوريم ، روابط ايران و يونان دو امپراطوري بزرگ آن زمان در قرن پنجم قبل از ميلاد است مردم اين دو سرزمين چه در هنگام جنگ بطور ناگزير و چه در مواقع صلح و آرامش با يکديگر تماس نزديک داشته اند يونان ، تمدن ، و يونانيان از موهبت

یونان استقبال میکرده. چرا که «زاد» مستشرق آلمانی در کتاب «هنر عتیق ایران» مینویسد:

«وقتی بک نایشامه یونانی را در حضور ایرانیان نشان دادند هیچگونه استقبال و دروغی نسبت به آن نشان ندادند.»

شاید این نظر ایرانیان نسبت به هنر یونانی جلالت کینه و دشمنی بوده است که همیشه بین دوسرزمین ایران و یونان وجود داشته. همانطور که مورخان یونانی همین علت برخلاف حقیقت مطالبی نوشته اند. اشیل که او را پدر تراژدی مینامند خود سرداری بوده که فراوان در جنگهای ایران و یونان شرکت داشته حتی یکی از برادرانش را در یکی از این جنگها از دست داده. او نایشامه ای نوشته موسوم به «ایرانیان» که در آن با عنصر بک یونانی شکست ایرانیان و خورد کردن فرورخشایار شاه شاهنشاه ایران را خواستده است بنابراین.

این تراژدی در سال ۴۷۲ قبل از میلاد یعنی هشت سال بعد از جنگ دریایی سالامین با افتخار پیروزی آنتیان بر ایرانیان در نبرد امز بود، نوشته شده.

واقعه درشوش جلوقصر شاه ایران نزدیک قبر در اوش اتفاق میافتد. بک فکر اساسی در تمام درام گنجانده شده و آن نشان دادن شکست خشایار شاه و خورد کردن فرور اوست.

اشیل نویسنده تراژدی ابتدا پیشگویی هسر ایان و ناراحتی (آنا) مادرشاهرا نشان میدهد. در همین موقع یکی از راه میرسد و شکست ایرانیان را در سالامین اعلام میکند. در اثر این ناراحتی رجوع میکند به روح داریوش و او صلی شدن پیشگویی خدایان و ادامه آنها را میگوید بالاخره خشایار شاه ظاهر میشود شکست خورده و نادمه و تراژدی با یک نوع شبون و گریه پایان مییابد.

در نایشامه ایرانیان (آکسیون) کم است اما موضوع تراژدی بهیچ وجه پائین نیافتد بجهت اینکه بک نابولیریک پراز هجانو و شاعرانه ای است که وطن پرستی و حسن احترام نسبت به خدایان را که از خود نویسنده است نشان میدهد.

در زمان ساسانیان و بخصوص در شاهنشاه هنر پرورد این سلسله یعنی خسرو پرویز و بهرام گور بوسیله توجه خاصی میشد. در داستانهای ملی ماقصصات بسیار زیبایی در توصیف مجالس بزم شاهنشاهان ساسانی وجود دارد.

در غرباهای شهر شاپور نزدیک کازرون که از ساختمانهای شاپور اول ساسانی است موزاییکهای بستم آمده که زنان در حال رقص و نواختن چنگ، نشان میدهد.

آهنکهای مخصوص هر روز و نوازندگان مشهور و نام زیبای آهنکها مشهور خاص و عام است و خود این، دلیل رونق فراوان این هنر در آن دوران میباشد. ولی جای شگفتی است که با توجه به این رونق بازار موسیقی و رقص از سانسرخنی در میان نیست همچنین در هیچ یک از کتب معتقین پادستانهای ملی نشانه ای از هنری بنام تانس در ایران آن عصر، وجود ندارد.

شاید بشود احتمال داد که مسائله یونانیان در راههای توأم با موسیقی در دیار اجرا میکردند.

ناگفته نماند که در ایران باستان در سال جشنهای معتبر میگرفته که کله ناولهای در این جشنها رام میانداختند و شاری میکردند و حتی ماسک هم بکار میبردند در قرون وسطی پیش از آنکه کله بوی وجود بیاید یا کله بهای یونانی ترجمه شود، حکاشهای مشحک و اشعار هجو آمیز روی صحنه میخواندند. و چندین هفت و جشن داشتند که در آن روزها مجاز بودند هر کار ناشایستی بکنند.

متلاوه خود سوو کلیسا کش کهنه میسوزانند با باسبم سو کواری الاغ مراسم مذهبی بجای میآورند.

بک جشن موسوم بود جشن دیوانگان که در آن روز سربک دیوانه کلاه کافلی میگذاشتند و او را با با عظمت خطاب میکردند. کم کم این سفره کله با تعلقات روحانی بر خورد و به پارلیان شکایت کردند و قانونی گذرانندند که این نوع کله افلا در صحن کلیسا موقوف شود.

البته بعد از قرن شانزدهم که کله بهای یونان و درم شناخته و ترجمه شد آن سر مشق گرفتند و رو بکامل رفتند. همانطور در ایران قبل از اسلام نظیر این جشنها و تقریبات نشاط آورد معمول بوده.

مانند جشنهای کومه بر نشین و مرد گیران «کومه بر نشین نام جشنی بوده در میان پارسیان که اول ماه آذر مردی کومه را سوار خر کرده بر بدن او دارو های گرم میسالیدهند طسامهای گرم بوی میخورانیدند و باز زنی بوی میدادند که خود را با بیزند. وار گرم اشکایت کند و مردم از هر طرف برف و یخ بصورت او میزدند و باو چیزی میدادند و اگر کسی



نوازنه ساسانی

باو چیزی نیداد مرکب با گل تیره ای که همراه داشت بر جامه های او پاشیده و تا وقتی زمین باذن و اجازه پیشگاران شهر اینکار را کردی و اگر زیاده روی کردی مواخالت یافتی.

پارسیان این روز را گرامی و عزیز داشتند.

«جشن مرد گیران از جمله جشنهای قدیمیان ایران بوده که مفان در پنج روز آخر ماه اسفند، میگرفته و در این پنج روز زنان بر مردان مسلط باشند و هر چه خواهند از مردان گیرند و شوهران محکوم باشند و مطایبه ها کردند ...»

تأثیر دوره بعد از اسلام

هر چه پس از تسلط بر ایران، کتابها را نابود کردند و جز قرآن کتابی باقی نگذاشتند.

بالتبع در دوره اسلام شرایط رشد و نمو هیچ هنری بخصوص با گرفتن هنر تازه ای، وجود نداشت.

ولی از طرفی تصوف و عرفان با طرافت فکری و معنوی و مجالس سماع و رقص و آواز و موسیقی و از طرف دیگر شیبه خوانی در سوگواریه های مذهبی که شکل اولیه تأثیر در دهه جاست، برای رشد موسیقی و رقص و با گرفتن هنر تازه ای بنام تانس، روزنه امید شد.

شیبه خوانی

شیبه خوانی باعث یادگیری از زمان سلسله دیال

(منزل الدوله) ۳۵۲ هجری و باعث یادگیری

بسی دیگر از زمان سلسه صفویه که تشیع در ایران چنانستی رونق یافت ، رواج پیدا کرد . و بهر از آن این مراسم در ماه محرم رسم شد . حتی شعرا و گویندگان بسیاری برای تزیین آثاری بوجود آوردند .

شیبه خوانی روی سکویی که وسط تکیه ساخته شده بود اجرا میشد و تکیه بنظور سوگواری مذهبی در محله های مختلف شهر ساخته شده بود و در ماه محرم بهین منظور با پارچه های سیاه ، کتیه ها ، علم و کتل و بیرق های رنگا رنگ و متعدد ترین مینگرید (می بستند) خود این صحنه سازی تکیه از نظر روانی روی مردم موثر بوده نشستن مردم دور صحنه ، سادگی صحنه و آراستگی تمام تکیه که طبیعا صحنه و مردم هر دو را در میان میگرفته و از دو جهت یکی اینکه آنها را در محیط مورد نظر قرار میداده و دیگری اینکه با اشخاص تزیین و مغمور کرده نزدیک و صمیمیتی بین آنها ایجاد میکرد ، قابل اهمیت میباشد .

موزیک (طبل و شیور) تزیین را همراهی میکرد و قبل از شروع آواز دست جمعی (کر) بتوان مقدمه بوسیله اشخاص همان تزیین خوانده میشد .
باین ترتیب آمسادی جهت دیدن نایش فراهم میآمدند .

سلسه های تزیین را بر شالشان میگذاشتند و هر وقت احتیاج پیدا میکردند از روی آن میخواندند .

امام خوانها مسولان آوازی سوزناک نقش خود را اجرا میکردند و مخالف خوانها (شعر خوانها) با صدای نوازشیده جای حرف زدن فریاد میزدند .

رنگ و نوا حدودی فرم لباسها متناسب با شخصیت نقش انتخاب میشده صورتها بدون کریم و سعی میشده با نقش از جهت سن و اسباب صورت بخوانند .

سردمدار تزیین بنام معین البکاء فقط تنظیم کننده کارها بوده .

او خود در سایه آشنای به نوت و فن کاهه گری ترتیب کارها را میداده و گرنه از نظر هنری زیاد موثر نبوده .

تزیین کردانها معروف و سرشناس بودند و نام بعضی از آنها سر زبانها بوده .

میرزا محمد تقی تزیین کردان و سید احمد خان و سید عبدالقاسم بختباری از تزیین کردانهای معروف بودند که در میان مردم شهرت و اعتبار داشتند .

پیدا کردن اشخاص مناسب برای نقشهای تزیین از کارهای مشکل تزیین کردان بوده چون علاوه بر آنکه شخص باید سن ، قیافه و اندام متناسب با نقش مورد نظر داشته

باشد ، بسایه صدا هم داشته باشد . بجهت اینکه قسمت های زیادی از تزیین را با آواز میخواندند .

از تکیه های بزرگ و معروف تهران از تکیه دولت بسایه نام برد که مثل یک تئاتر دولتی در زمان ناصرالدین شاه قاجار کار میکرد و باشکوه و جلال خاصی در ماه محرم تزیین های متعددی در آنجا اجرا میشده خود شاه نیز بشاه نشین تکیه میآمده و به این هنر ابراز علاقه زیاد میکرد .

هائطور مردم استقبال بی نظیری از تزیین میکردند .

بهین جهت معروفست که مردها نون و گوشت را بر شالشان میزدند و زنهارون و پندراتوی در شمال پیچیده بگوشان می بستند صبح زود راه میافتادند میرفتند ، جا بگیرند درباره عطش و شکوه و جلال شیبه خوانی در تکیه دولت در کتاب سرگذشت موسیقی ایران نوشته آقای روح اله خالقی با استفاده از کتاب عبادت مستوفی و کتاب زندگی خصوصی ناصرالدین شاه از امیر - السالك شرحی درج شده که ارزش و مقام این کار را در آن زمان بخوبی بیسان میکند .

نمایشات خنده آور

در مقابل این نمایشات خنده آور و سوگواریهای متعدد مذهبی که در تمام اوقات سال چندین بچندین تکرار شده و با هیجان آن نگه داری میشد ، حکایات خنده آور و کارهای نشاط انگیز خیلی

کم وجود داشته . بجز چند سرگذشت کوتاه و اشعاری مطایبه آمیز و هجو در ادبیات فارسی قطعات فکاهی و خنده آور خیلی بنامت دیده میشود . چون شعرا این را رون شان خسود میدادند .

ممکن است در ابتدا کسانیکه استنداز تقلید و مسخرگی داشته این هجویات و تنکه های کوتاه را که پر از مثلک و کنایه های خنده آور است در محافل بازگو کرده ، کم کم خودشان چیز هایی بآن افزودند شیرین ترش ساخته یا بر ذوق آمده لطیفه های تازه ای می ساختند .

دلگنگان دربار پادشاهان ایران نظیر : کل عنایت ، اسمعیل بزاز ، کریم شه امای و شغال الملك مرزبان با استعدادی بوده اند که بوسیله مناسب گسومی و ساختن مثلک های شیرین و پاسخ گوئیهای فی البداهه ، بجا و نمکین محبوب سلاطین شده موجبات نشاط و تفریح آنانرا فراهم میآوردند . کل عنایت مقلد دربار شاه عباس بوده کریم شیرامی نایب نفاذ شاه بوده در اثر استعداد فطری که در لودگی و مثلک برائی داشته مقلد دربار ناصرالدین شاه میشود .

اسمعیل بزاز ، دکان ترازی داشته و کاسبی میکرد ولی چون مرد چکه ای بوده ابتدا در محافل دوستانه رفقا لودگی میکرد و دیگران را میخنداند بعد کارش



اجزای تزیین کردان های طهران با لباس تزیین



صحنه رقص دست جمعی در قصر قاجار به

نالا میگیرد، پناه اعیان و اشراف رفت
و آمدنی کند و سپس کم کم بدر بار راه
پیدا میکند.

مسخرها و لوده‌هایی نیز بوده‌اند که
سر مردم را گرم می‌کردند و بین آنها شهرت
داشتند.

مثل اشخ کرنا، شیخ شیپور، حسین
دوری و حسن گریه. دیگر هنرهای نمایشی
از انواع گوناگون کارهای مشغول‌کننده
و تفریحی تشکیل میشد:

شبه شب بازی - پهلوان کچل (که
خود نوعی از شبه شب بازی و نمایش
عروسکی است که بنام پهلوان داستان آن
پهلوان کچل معروف بوده و چون عروسک
هایش از تعداد عروسکهای شبه شب بازی
کثیر بوده بالطبع حمل و نقل آسانتر و
در بین مردم رواج و رونق بیشتری داشته)
تأثر زنانه که فقط ساز و آواز و

رقص بوده، شهر فرنگ (عکسهای متحرک
و نمایشات کوچک با حیوانات تربیت‌شده
نظیر: غرس، میمون، بز، که معمولاً آنها
را وسیله تفریح و خنده مردم ساخته و
با کمانچه و تنبک میرقصانند. مارگیری
(نمایش با انواع و اقسام مار، انی، چنگ
انداختن آنها بزجه، عقرب، موش، مهرائی)
شاهنامه خوانی - نقالی - سخنوری
مراکه گیری - شعبده بازی (لوطی غلامحسین
معروف)

حاجی فیروز و آتش افروز، مطربی
و انواع و اقسام نمایشهای ملی و محلی نظیر
دزد و قاشی - طیب مازندرانی - عروسی
هالو - خاله رورو که دستهای مطرب دوره
کرد در جشنهای عروسی حجام زاپسون
خنت سوران و میسایبهای بزرگ اجرا می‌کردند
این بازیگران بیشتر کلب پاستنگر بوده
علاوه بر شغل ثابت خود شبها در جاییکه
رعوتشان می‌کردند نمایشات خود را اجرا
مینورند.

مطربهای تخت حوضی

از جمله این دستهای قدیمی از دست
مؤید باید نام برد. که هنوز اسم آن و
مؤسسه سرزبانهاست. در این نمایشات
مرد ها دل زنها را بسیار جالب بازی
می‌کردند و بازی آنها گاهی فوق‌العاده
طبیعی بوده و گاه زیاده روی در کارشان
دیده میشد. موضوع بازیهایشان از زندگی
کلبهای شهر بود که در اکثر آنها زد و
خورد خانوادگی دیده میشد.

و چون قسماتی که آنها بازی می‌کردند
نوشته‌ای معین نداشت بازیگران آزادی
عمل داشت و فریادهاه بی‌بهره‌ای ساخته
تحویل یکدیگر میدادند.
البته این خود قدرت خلاقه می‌خواهد

دستور داد پسنهایی از مولیر ترجمه کرده‌در
تالار دارالفنون بطور پسنهایی برای او و
خواص نمایش دهند.

پدنا شاهزاده حاجی محمد طاهر
میرزا و عازالسلطنه حسینعلی قساجار
نمایشنامه نویسی و ترجمه را باب کردند.
بعد از انقلاب مشروطیت تمایل به
اروپائی کردن تأثر ز پادشاه در سال ۱۳۲۴
هجری قمری در ایران جنب و جوشی در
تمام شتون فرهنگی حس شد و تأثر نیز
از این تحول برکنار نماند.

تأثر فرهنگ در عمارت محمودیه بنیاد
گرفت و در آن اشخاصی نظیر محمدعلی
قزوینی، عیداله مستوفی، علی اکبر داور
فهییم الملک و سیدعلیهان نصر شرکت داشتند.
کم کم ترویجهای دیگری بوجود آمده
که هر چند بکبار در سالنهای اجاره ای تأثر
میدادند. چون سالن مستقل و مخصوص
برای این کار وجود نداشت.

از کوششهای قابل توجه دیگر در این
زمینه تشکیل تئاتر ملی است، بوسیله سید
عبدالکریم خان محقق الدوله که خودش
نیز نمایشنامه مینوشت. در آنجا بیشتر از
نویسندگان فرانسوی بازی می‌کردند. بعد از
فوت سیدعبدالکریم خان تأثر ملی از هم
پاشید و از آن تروپ کندی ایران بنام
شرکت کندی ایران با اجازه وزارت معارف
تشکیل شد.

سرپرستی این تروپ را سیدعلیهان
نصر که از پیش کسوتان تأثر جدید ایران
هستند، بهمدار داشتند.
ایشان تحصیلات مقدماتی خود را در

پدنا این نمایشات بیشتر جنبه فانتزی
پیدا کرد.

شاه و وزیر و پسر جوان شاه و غلام
سیاهش که کارهای او را پیش میرود حاج آقا
از پرستارهای مشغول این نمایشات بودند
صحنه نمایش حوضی حیاط منازل بوده
که رویش تخت‌زده قالیچه پهن می‌کردند.
بهین مناسبت این دستهای بسیار
به مطربهای تخت حوضی معروف شدند.
از پرستارهای مهم و اصلی نمایشات
مطربهای تخت حوضی نقش سیاه است که
دل فوق‌العاده مشکل و اساسی بوده‌است.
بازیگری که ایسن نقش را به‌سده
می‌گرفته از بااستعدادترین افراد این دست‌های
سیاه بوده و گسائیکه این نقش را بوجه
احسن شیرین و بازمه بازی می‌کردند،
مرویت و محبوبیت فوق‌العاده‌ای پیدا
می‌کردند.

از بازیگران مشهور این دست‌های
تخت حوضی از:

حاجی سره - حاج احمد چرخنی -
حسن علی اکبر - حسن کلامروز - اکبر
نایب جعفر - حسن کاجی - حاجی قدم
شاد - اکبر نقی - امیر سوتی -
ملت، حسین حوله ای - ذبیح زرگر
مهمی مصری و عباس مؤسس، پاید نام
برد.

تئاتر - دودا و اخر سلطنت ناصرالدین
شاه پکنرم تئاتر اروپائی مآب ایجاد شد
ناصرالدین شاه که خود مرد با ذوق و اروپا
دیده‌ای بود به مزین الدوله نقاش باشی که
از شاگردان نخستین دست‌های بود که عباس
میرزا نایب‌السلطنه اروپا فرستاده بود



کمال شهرزاد

مدرسه عالیته تهران تمام کرده و چون به زبان و ادبیات فرانسه علاقه مند بود در مدرسه الیانس آن را فرا گرفته و مدتها بشغل شریف معلمی اشتغال داشته و تالیفاتی در زمینه تاریخ، ریاضی و ادبیات دارد. آقای نصر از جمله کسانی است که بعد از مشروطیت و حصول محسوس در شئون اجتماعی و فکری در زمینه هنر تئاتر فعالیت‌های خستگی ناپذیرش زیاتر عامه است.

البته بعدها دولت مأمورینهای سیاسی خارج از ایران با ایشان داد که بالطبع در کار هنرش وقفه حاصل شد ولی هرگاه فرصت مییافت در هدایت جوانان و نوآموزان و تقویت این فن فروگذار نکرد.

همچنین بکوشش و همت او بود که هنرستان هنریشکی هنگام تصدی پست ریاست کمیسیون نمایش سازمان پرورش افتکار در سال ۱۳۱۸ بنیاد گرفت. هنرستان هنریشکی در ایران اولین موسسه‌ای است که میتوان فن تئاتر را بطرز آکادمیک بود آن آموخت و اکنون نیز ریاست آقای دکتر نامدار که از پیش کسوتان این فن هستند فعالیت خود را ادامه مینهد. و هر سه سال یکبار عده‌ای از علاقه‌مندان را میپذیرد و آنها را برای صحنه آماده میسازد.

بیشتر هنرمندان نامدار فعلی از شاگردان آقای نصر هستند. ایشان که در آن زمان تازه از اروپا برگشته بودند تئاتر را با اصول صحیح تر شروع کردند و باید گفت موسسه ایشان اولین موسسه‌ای بود که گامهای بلند با اصول صحیح به نسبت زمان در این راه برداشت. این تروپ در گرانه هتل نمایش میدار

و بعد هانجا بکوشش و همت آقای نصر و مرحوم احمد رفغان تئاتر تهران بنیاد گرفت و بعد از آن بک موسسه را می‌شد.

در سال ۱۳۰۳ شرکتی بنام کمده اخوان بسرپرستی هنرمند شایسته محمود آقا ظهیرالدینی تشکیل شد که از فعالیت‌های جالب هنری آن عصر بشمار میرود.

کار خستگی ناپذیر بالاخره این مرد با استعداد را مسلول کرد و از پای برد آورد. و بامارک اوتروپش از هم پاشید.

محمود آقا در سال ۱۲۷۸ شمس با برمه وجود گذاشت تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه اتحادیه تمام کرد و بعدت علاقه مفرطی که به هنر داشت مدرسه صنایع مستظرفه را دید و موفق به دریافت تصدیقنامه شد.

او علاقه شدید و استعداد خاصی در این کار داشت مرحوم کمال الملک او را به سیدعلیهان نصر معرفی کرد و از آن زمان به بعد کار هنری او در تئاتر شروع شد.

میگویند او اولین درس هنریشکی را ششروسی خودش از مطربهای تحت حوضی آموخت. دیدن نمایش آنهایی نهایت در او موثر واقع شد بطوریکه موضوع نمایش، حرکات و کلیات آنها در صفحه حساس ذهنش ثبت شد و او را اواداشت با همکاری عده‌ای از دوستانش در مدرسه و منازل آنرا به خویشان و دوستانش نشان دهد.

و چون در آن زمان در قهوهخانه‌ها با طبیعت‌های دهشاهی بکشتاری نمایشی را میشد دید محمود آقا بآن قهوهخانه‌ها رفت و آمد میکرد و موضوع بازی و حرکات و کلیات آنها را آموخت. برای رقابت نیز گروه و بانها با هم میساز. از همین هنگام بود که عده‌ای از دوستانش دور او جمع شدند و همت ترویجی که بعد از این نظرشود او فعالیت میکردند تشکیل شد. در ماه محرم و صفر آتش اشتیاق کار صحنه آوردا بعدی آزار میداد که در تیزه‌ها شرکت کرده در نقشهای مختلف ظاهر میشد.

او پس از اینکه در چند نمایش شرکت کرد قدرت خلافت و استعداد خاص خود را همه ثابت کرد و شهرت و محبوبیت او چندین برابر شد.

و علاقه شدید او باین موجب شد که کمده اخوان تاسیس گردد.

اونه تنها در تهران فعالیت کرد بلکه دامنه کار خود را تحلیم داده کار تئاتر را بشهرستانها گشاند. و همین فعالیت شدیدی کار خستگی ناپذیر بود که او را مسلول ساخت ولی این بیباید از عشق و علاقه اش به تئاتر چیزی نکاست.

او با وجود ناراحتی و بیماری کسار هنری خود را تا هنگامیکه مرک او را از پای برد آورد دنبال کرد.

از خصوصیات هنری او حس تقلید از طبیعت و بازی فنی الهامه تیبهای مختلف اجتناب بود.

جامعه باره بهمت آقای اسنجل مهرتاش که نغمه ساز و در موسیقی ایران صاحب اطلاعات در سال ۱۳۰۵ بنیاد گرفت این موسسه هنری هنوز هم تحت نظر ایشان کار می‌کند.

و تاکنون ایرتهای جالبی از داستانهای ملی نظیر لیلی و مجنون و خسرو شیرین با دکور و لباس بینظیر و جالب بروی صحنه آورده. جامعه باره بیشتر روی تئاتر ملی کار کرده و در امهائی ملی با ارزش بقلم و تحت نظر آقای رفیع حالتی که از هنرمندان بی نظیر ایران هستند بروی صحنه آورده ایشان از همکاران آقای نصر و از جمله کسانی هستند که در پایه گزاری تئاتر نوین ایران سهم بسزائی دارند.

در سال ۱۳۰۸ تئاتری بنام میروس بوسیله نازاریان در محل سالن زردشتیان زیر نظر طربان که تحصیل کرده سوئیس بود، تشکیل شد که پس از چندی از هم پاشید.

در سال ۱۳۰۹ تئاتر نکیسا توسط اردباب افلاطون شاهرخ تشکیل شد و محمود آقا ظهیرالدینی مدتی با این تئاتر همکاری میکرد. و آقای گرمسیری با اسم مستعار شاهرپان از هنرمندان درجه اول این تروپ بوده.

آقای گرمسیری از جمله هنرمندانی هستند که با آقای نصر همکاری داشته و در پیشرفت تئاتر جدید سهم بوده. و در نقشهای بازیگر، نايشنامه نویس و متورانس ظاهر شده و باین هنر خدمت کرده‌اند.

میرسیف الدین کرمانشاهی از هنرمندان برجسته دیگری است که در اینجا از فعالیت های موثر او باید یاد کرد.

او از خانواده متدین بوده، پدرش می-خواست او مبلغ شود ولی او بجلت عشق فوق العاده‌ای که بتئاتر داشته برای تحصیل این فن به تظلمس میبرد و در آنجا این فن را میاموزد و پس از پایان تحصیلات بایران مراجعت می‌کند.

او ابتدا کار هنری خود را در تبریز شروع کرد سپس در تهران در جامعه باره مشغول کار شد. کرمانشاهی برای اولین بار دکوراسیون واقعی را در تئاتر ایران معمول ساخت لیلی و مجنون و خسرو و شیرین را با طرز جالبی روی صحنه آورد و چون با همکارانش اختلاف پیدا کرد تصمیم گرفت محل مستظرفه



کرمانشاهی

جزئی زمان و مکان تغییر میکرد، اجرا میشد.

مشتربین اروپایی روی تزیین ایران تحت عنوان درام منعی ایران زیاد کار کرده اند.

«الکساندر غورسکوف» و «گنت» دو گویندگان از اولین کسانی بوده اند که تزیین نام‌های ایرانی را نام ادیبان ناباشی ایران با اروپا معرفی کرده اند.

بعد از آنها «شارل و برلوند» فرانسوی است که چند مجموعه در این زمینه فراهم آورده. همچنین چند تا از تزیین نام‌ها را فرانسه ترجمه کرده و چاپ رسانده که برای بدست دادن نمونه‌ای از نایب‌نامه منعی (ابتدائی ترین شکل ترازوی ایرانی) قسمتی از تزیین نام‌ها شهادت حضرت امام حسین را از متن فارسی آن که فرانسه بر گردانده شده و در یک جلد در بیروت چاپ رسیده در اینجا نقل می‌کنیم:

شهادت حضرت امام حسین
مترجم از فارسی فرانسه

Ch Virolleaud

چاپ بیروت (۱۹۲۲-۲)

La Passion

de Limam Hosseyn

Drame persan

اشخاص تزیین

امام حسین

زینب

کلثوم

شهربانو

سکینه

زین العابدین

عبداله

فاطمه

زهرا

طهرس

دوسی باید نام برد که با ایران آمده ایتالیایی نظر، آرشین مالان و اصلی و کرم و مشهقی عباد را قیاس دارند. پنجاهمین نایب‌نامه‌ها ترجمه شده و بارها بحث آمد. در حقیقت باید گفت تئاتر واقعی از سال ۱۳۲۰ باین طرف بوجود آمده.

از این تاریخ به بعد فعالیت و کوشش زیادی چشم می‌خورد از جمله از تروپ نوشین و کلاس تئاتر و نایب‌نامه‌های پاروژی که با تکلیف صحیح بروی صحنه آورد باید نام برد. او ابتداء تئاتر فرهنگ فعالیت خود را شروع کرد سپس مستقلاً تئاتر فردوسی را تاسیس کرد و نایب‌نامه‌هایی نظیر «پرنده آبی» مستطقی و مردم ... بروی صحنه آورد و عده‌ای از علاقه‌مندان را برای صحنه و آکتوری آماده ساخت.

این تروپ و تروی که بعد از او تشکیل شده متأسفانه جلی اضمح شد.

تئاترهای دیگری که تاسیس شد و کوششی در این زمینه عمل آورد و پس از چندی تعطیل شد عبارتند از:

تئاتر گهر، تئاتر هنر، تئاتر کثود

تئاتر گیتی، تئاتر بهار و تئاتر نو.

ترجمه نایب‌نامه‌های شارسکی از شهر یورست نیمه رواج یافت و در تغییر مسیر این هنر موثر بود. همچنین کتاب‌های فنی و تخصصی که در این فن نگاشته با ترجمه‌ها از جمله کارهای مفیدی بوده که در پیشرفت این هنر سهم بسزایی داشته و دارند.

فعالیت دیگر نایب‌نامه‌های «ادبوی» بود که از بدو تاسیس رادبو و نسود آن بین مردم شروع شد و برای آشنائی اولیه مردم با این هنر لازم بود، اگرچه اکنون باید تجدید کشف شد.

نایب‌نامه نویسی و تزیین نام‌ها ابتدائی ترین شکل درام ایرانی که فعلاً در دست است تزیین نام‌هاست بطوری که ذکر شد تزیین از زمان حکومت آل بویه و بعضی می‌گویند در عصر صفویه رونق و رواج یافت.

و شعرا و گویندگان مثل: محتشم کاشانی، رفیعی قزوینی، مساحین کاشفی، وصال شیرازی، محسود بختان، ملک‌الشعرا و عده دیگر برای تزیین نام‌ها بوجود آورده اند.

در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه تعداد این تزیین نام‌ها به پنجاه و دو مجلس رسید و این خود ارزش و رونق این کار را در آن عصر بخوبی می‌رساند. تزیین نام‌ها نه از نظر ادبی چندان ارزش داشت و نه از نظر فنی بلکه تنها مکالماتی بود بشعر که در صحنه‌ای ساده که با تغییراتی

برای فعالیت‌های خود در نظر گیرد بهین منظور استودیو درام کرمانشاه را تاسیس کرد و نایب‌نامه‌های یوسف و زلیخا با شرکت بانو لرتا و مشهقی عباد با شرکت غیره - غوا و هزیز و هزیزه تصنیف رشاد کمال شهرزاد و سم‌زنده‌گی را که از کارهای بسیار ارزش آن عصر محسوب میشد، بروی صحنه آورد.

وقایع‌های کیف، حادتهای بیجا و احوال ناجوانرودانه رفیعی تنگ نظر که که در عصر هنر از او بی هنرتر بوده و با رونق کار او بازارشان کساد شده بود با کلاشکنی‌های خود بالاخره او را لاسرد ساخته با ضربه‌های شدید و پستی‌دیی که مرتباً با او زدند و او را از صحنه خود کشتی کرد.

کرمانشاهی در دستور اسب و صحنه سازی تحولاتی در تئاتر روز ایران بوجود آورد و چند تئسکیلات تئاتری دیگر را بوجود آورد که در حقیقت ضروری نداشتند. در جای معینی مستقر نبودند. ولی کوشش و تلاش آنها برای رشد تئاتر ایران موثر بود.

از جمله: تروپسی بوسیله یک آکتور تئاتر (ادنون) بنام آرمین آرمینان که خودش بزبان فرانسه بازی میکرد. تروپ کمدی موزیکال خانم آقا بایان.

تروپ شرکت ایران جوان که اکثر نایب‌نامه‌هایی را که اجرا میکردند خود اعضای تروپ می‌نوشتند. نظیر جعفرخان از فرنگ آمده بقلم حسن مقدم (علی‌نوروز) که بوسیله تروپ ایران جوان بسرویی صحنه آمد.

البته باید در نظر داشت که این تروپها تکلیف اولیه صحنه را نداشتند و اکثراً دل‌زنها را مردها بازی میکردند یا گاهی اوقات آکتربهای ارمینی با آنها همکاری میکردند.

در سال ۱۳۱۲ هنر پیشه مسرور دوسی «با بازی با زبان» با ایران آمد و آنللو - هلت - مردآهین - راهزنان - دون‌دون - را بزبان فرانسه بازی کرد، که در آن عصر نوعی برپا کرد و عده‌ای از هنرمندان ایران بزبان فارسی با او هم‌بازی بودند.

در سال ۱۳۱۵ تئاتری از طرف شهرداری در محل ایرانشکیل شد و در سال ۱۳۱۸ سازمان پرورش افکار بوجود آمد و وظیفه هنرستان هنر پیشگی گذاشته شد.

آمدورفت بازیگران خارجی در تغییر و تحول تئاتر ایران فوق‌العاده موثر بود از جمله از بازیگران قفقازی و

جبرئیل
ابن سعد
شمر *
نصرانی
ستان

(بسم الله الرحمن الرحيم)

شمر بن ابی سرحه
خطاب من بتو ای ابن سعد نیک لقا
نوده ای بدین دشت قتل آل هیا
کسی بشیر حسین علی نامه دگر
هه شهید شده از بلارک و خنجر
رسیده نوبت آن نوردیده کوئین
بیاید آنکه شود کشته او ز تیغ و سنین
تمام عزت و اولاد او اسیر شونده
کیوتران حرم جله دستگیر شونده
رویم شاد به پیش عیبه این زیاد
ز کشتن پسر فاطمه شود خوشحال
ابن سعد گوید:

بگو چه چاره کنم ای لعین پر شر ووشین
دلم چگونه رضا میدهه بقتل حسین
بس است آنچه نمود بدشت کرب و بلا
هین بس است شدم در وسیاه روز جزا
هین بس است که هیاس شد شهید جفا
هین بس است علی اکبرش فتاد زیبا
نوده فاسد امامد کف ز خون رنگین
ظلم توشده ویران بنای خاثرین
دگر زجان حسین علی چه میخواهی

از آن شکسته دل بی مین چه میخواهی
شمر گوید:

بچین بدان تو ایا ابن سعد نیک نهاد
که تو بقتل حسین بایدت بجان ایستاد
اگر بقتل حسین نیست سر پیکار
بروی کوفه که هشتم بجای توست دراز

ابن سعد گوید:

بریده باز زبان تو ای ملک غدار
چه حرف بود که گفتی تو ای منم کردار

کدام آیه گواهدت بر قتال حسین
کدام حکم صریح است بر جدال حسین
مگر نه شمع شبستان احد است حسین
مگر نه گلبن باغ معد است حسین
مگر نه فاطمه غیر النساء است ماد او

مگر نه شانه زره جبرئیل بر سراو
بر اطاعت امر عیبه این زیاد

نیتوان به عیبت داد آخرت بر باد
ز راه کینه تو نگذاشتی که باشه دین
کنیم صلح ایا بر حیای به آئین
شود بصلح میل بنای جنگ و نثار
رود بسوی مدینه کنون بظاظر شار
شمر گوید:

تا حسین کشته نکردی بستان و شمشیر
تا ناپاید بریم زینب و کلثوم اسیر
تا بشمشیر لرزیم بر زمین خون حسین
نشود چشم و دل از کشتن و خونریزی سیر

ابن سعد گوید:

بوده است بوسه گاه نبی خنجر حسین
باید بدین گنشت و بر بدن سر حسین
باید که خواهران حسین را بشام برد
پوشیم چشم از نیک مادر حسین
شمر گوید:

منم کشته فرزند مادر تقنین
منم که شرم ندارم ز مادر حسین
مخدرات حسین گو، حسین برون آید
که دل ز کشتن اول لحظه ای بیاساید
زینب گوید:

باشد حسین من بخواب ای کافر بر شور و شر
ترسم که بیدارش کنی آهسته تر، آهسته تر
در خواب میباشد حسین ای کافر بر شور ووشین
بهر رسول مشرفین آهسته تر آهسته تر
شمر زینب گوید:

خطاب من بتو ای دختر رسول خدا
بروی کوفه بحسین علی که ای مولا

در این معامله باید که مرگ خود دین
بگو که نیست در این وقت وقت خوابین
برم شام ترا این زمان بخواری خوار
شوند اهل حریت تمام زار و تزار
زینب گوید:

باشد خواب ای یحیای علی المرتضی
افغان مکن بهر خدا آهسته تر آهسته تر
بی فاصله بامام گوید:

ای برادر شرم آمد بر سرم بیدار شو
میشود نیلی ز امرک معیوم بیدار شو
تو بخواب راحتی من در اسیری میروم
ای برادر خاک عالم بر سرم بیدار شو
لشکر دشمن رسیده ای شاه ای خیل وحشم
این زمان من در میان لشکرم بیدار شو
امام گوید:

خواب دیدم مرغزاری با صفا نگذاشتی
خوردی و دباغ بود و قصرها نگذاشتی
چدمن شیر البتر از یک طرف ایستاده بود
یک طرف باهم علی مرتضی، نگذاشتی
مادرم جامه شیبه کرده تشنه در غرا
بود از بهر کسی نوحه سرا نگذاشتی
چدمن میگفت اینک کشته میگردد حسین
میشود زینب اسیر اشقیبا نگذاشتی.

زینب گوید:

خواب بودی ای برادر دشمن آمد این زمان
گفت زینب و ایبرم در شام با مؤمنان
سخت میترسد دلم از کرده های چرخ پیر
ترسم ای جان برادر من شو باد و اسیر
امام مناجات میکند:

در همین چندصحنه ملاحظه شد که زمان و
مکان سه بار بلا اخطاع تغییر کرد البته بدون
اینکه کوچکترین تغییری در صحنه داده شود
بر خود اول دوبار گاه ابن سعد - گفتگوی
ابن سعد و شمر بر خورد دوم جلو شیبه

زینب - گفتگوی شمر و زینب

بر خود سوم داخل شیبه امام - گفتگوی
زینب و امام حسین. در سه نقطه صحنه که
قطب باز تن پرسنازی به نقطه دیگر زمان
و مکان تغییر می کند، اجرا میگردد

موضوع بازی نمایشات مطربهای تخت حوضی.

از نمایشات مطربهای تخت حوضی
نمایشنامه ای در دست نیست. چون آنها
نمایشنامه یا نوشته ای ندارند فقط موضوع
بازیها پیش گوشت پاسرسته برای آنها
تاریف میکنند و آنهم اهر کدام به نسبت سن،
قیافه و اندام و استعداد خود نقش را با ذوق
و قریحه خدادادی حیاتی بخشند و اکثراً
نوع نقشهایی که هر کدام در تمام نمایشات
همهده میگردند همین بوده از این لحاظ
کارشان منظم و مرتب پیش میرفته.

مسئله: شاه پوش - وزیر پوش
چوان پوش - سیاه - حاجی آقا - هر کس
در یکی از نقشهای بالا تخصص داشته تنها
کاری که میکردند گاهی اوقات متلک، کلام
تازه یا حرکات جدیدی به نسبت موضوع
بازی بکار خود میافزودند.

نوع مکالمه، لهجه و بازی نقشهای
معین را سینه بسینه از گفتگوان میاموختند
و در بر تو آشنائی با کار پیش گوشتان فوت
و فن کلمه گری را میاموختند و به نسبت ذوق
و استعداد خویش بسازی را شیرین و با مزه
می ساختند و فی الیداهه هنگام بازی چیزهای
تازه ای ساخته تحویل یکدیگر میدادند.

این نقشها نظیر نقشهای « کلین »
« پیرو » و « آرسکن » سه تن از
پرسنازهای معروف « کده بادل آرت » است
که حدود شخصیت هر یک از آنها معین بوده
و بساز یکسران فی الیداهه به نسبت سوز
تازه ای که روی این سه پرسناز ساخته
میشد، نقش خود را خلق میکردند.

نمایشات تخت حوضی اکثراً از سر
شبه شروع میشد و تا صبح ادامه داشت.

نمایشنامه و نمایشنامه نویسان

اولین بار که نمایشنامه به تقلید از
اروپائی و بشکل ابتدائی در ایران رواج
یافت اقتباسی بود از نمایشنامه « میز اترپ »
مولیر که تحت عنوان « گزارش مردم گریز »
در اسلامبول بچاپ رسیده بود و بعد ترجمه
های میرزا جعفر قراچه راغی از نمایشنامه های
میرزا فتحعلی آخوندزاده. نمایشنامه نویس
آذربایجانی.

میرزا فتحعلی آخوندزاده پدر و

مادرش اهل آذربایجان ایران بوده و در
تبریز اقامت داشته اند. او چند بار به قفقاز

رفت و آمد می کند و زبان روسی را در تفلیس می آموزد و در دهانجا به پایه سرهنکی رفتی میرسد و در سال ۱۸۴۸ بینامیثی با ایران می آید و پس از مراجعت کارنویسنده گی را شروع می کند .

در سال ۱۸۵۰ نخستین نایبشاهه خود را بنام « ملا ابراهیم خلیل کیلیاگر » مینویسد . نایبشاهه های دیگرش عبارتند از: میو ژوردن حکیم نباتات ، سرگشت وزیرخان لشکران ، حکایت خرس دزدانکن ، سرگشت مردغیس ، حکایت وکلای - مرافعه و داستان ستارگان فریب خورده و یوسف شاهسراج که اکثر آنها بوسیله مترجم نامبرده فارسی ترجمه و بوسیله چاپسنگی چاپ و منتشر شده است .

سپس نایبشاهه های پرنس میرزا ملکم خان نایبم الدوله که به تقلید از نایبشاهه های میرزا فتعلی آخوند زاده نگاشته شده

پرنس میرزا ملکم خان نایبم - الدوله پسر میرزا یعقوب خان اصفهانی در سال ۱۲۴۹ هجری قمری در مجلسای اصفهان متولد شده پدرش از کودکی او را برای تحصیل پفرانه میفرستد . پس از مراجعت مدنیست مترجمی مطمئن اطریشی و همچنین مترجم حضور شاه را داشته . سپس مستشار میرزا آقاخان نوری صدراعظم میشود او برای ادارهٔ مملکت مقررات و آیین نامه - های نوشته و در ایران فراموشخانه را تأسیس کرده .

در سال ۱۲۸۰ بطلی از ایران تبعید میشود و مدتی در اسلامبول قامت میگیرند و در رسالت، مستشاری میرزا - بن خان را قبول می کند . سپس در مصر لژرال کنسول ایران میشود بعد مجدداً با اسلامبول بر میگردد .

در همین هنگام نایبشاهه های خود را در حالیکه از آثار میرزا فتعلی آخوندزاده متأثر بوده مینویسد . بعد همدنیست های مستشاری صدراعظم و سفیر کبری ایران در لندن را داشته همچنین شاه با اجازه میدهد لقب پرنس اصلاح طلب را استعمال کند، بعدها مقضوب میشود و در انگلستان روزنامه قانون را منتشر می سازد .

در زمان سلطنت مظفرالدین شاهست وزیر مستشاری ایران دردم را بوسیلهٔ صدراعظم وقت امین الدوله که از دوستان قدیمی او بوده باو میدهند و تاهنگامیکه در سویس میبرد در این سست باقی بوده .

از نایبشاهه های میرزا ملکم خان يك مجموعه مشتمل بر سه نایبشاهه در يك جلد چاپ

بر لن در دست است که به ترتیب عبارتست از : سرگشت اشرفان حاکم هرستان در ایام توقف او در تهران که در سنه ۱۲۳۲ به پایتخت احضار میشود و حساب سه ساله ولایت را پرداخته بعد از زحمات زیاد دوباره خلعت حکومت می پوشد و بیرون این حکایت در چهار مجلس تمام میشود .

۲ - طریقهٔ حکومت زماننشان بروجردی و سرگشت آن . ام در چهار مجلس .

۳ - حکایت کربلا رفتن شاه قلی میرزا و سرگشت ایام توقف چندروزه در کرمانشاهان نزد شاه مراد میرزا حاکم آنجا در چهار مجلس .

در مقدمه این مجموعه نوشته شده : «مجموعهٔ ذیل کتابی است به ترتیب بازی و تئاتر» که بنا بر عرف بظلم مرحوم پرنس میرزا ملکم خان نایبم الدوله بن میرزا یعقوب خان اصفهانی است .

نسخه این رساله در ایران نایاب است و تنها پیش بعضی از اشخاصی که بجمع تالیفات ملکم خان هوسی داشتند، پیدا می شود . این کتاب در ضمن یادوقتی روزنامه اتحاد منظمه تبریز (که از اوایل سفرته ۱۳۲۶ تا اواخر جاری الاولی آستان منتشر میشد)

از روی نسخه متعلق بجناب آقای سید حسن تقی زاده بتفاریق نشر میشد ولی پیش از آنکه نشر آن مانع از دست و پاگرفته ۳۳ جاری الاولی سنه ۱۳۲۶ و بر هم زدن اساس مشروطیت پیش آمده و باعث تعطیل همه جراید مشروطه طلب شد و این کار ناقص ماند .

نسخه خالی که این کتاب در بران از روی آن چاپ شده منطبق به کتابخانه حضرت اجل آقای دکتر روزن وزیر امور خارجه سابق دولت فقیه آلمان است که خود نیز از مستشرقین معروف میباشد و سالها در ایران بوده و نسخ فارسی زیادی جمع آوری کرده اند .

نایبشاهه های ملکم خان از جهت قنی چندان ارزش ندارد بجهت اینکه نویسنده آشنائی کامل به صحت و امکانات آن وجود دارد و تقویر درام و طرز مکالمه روی صحنه را ندارد . داستانی است بشکل گفتگو که در اولی از دستگام دولت انتقادی کند و میخواهد نشان دهد چگونه حاکم ولایتی را که به پایتخت آمده سر کبیسه می کنند و او چگونه حکومت را با پول می فروشد و بعد با بخل ماموریت خود بر میگردد .

در قسمت دوم او شخصی را بنام زمان خان بروجردی نشان میدهد که برای گول

زدن مردم آنها را وادار می کند دست از پا خطانگتنه اما بعد از مدتی قسمتی را که باید به دولت بپردازد روی دستش میباند و مقروض میشود .

بالاخره مجبور میشود شروع بکار کند و از مروفه ها تکه کند، آنها تاجری را بدم انداخته میدوشند و پول را تحویل حاکم میدهند .

در قسمت سوم شاه قلی میرزا برادر شاه مراد میرزا حاکم کرمانشاه برای زیارت کربلا پیش برادرش میرود و مهمان می شود برادرش میخواهد او را تکه کند تا بالاخره برادرزاده اش برای از سر واکردن و کندن شر او يك روز او را بشکار میبرد و کتک برایش میخورد و کتف مردم را علیه اش میشود و بعد بطوریکه مردم بخت برگشته از ترس بغلا پناه میبرند و بعد هم با چادر و چاقچور فرار می کنند .

باری دکتر خانلری در باره نایبش و نایبشاهه نویسی مینویسد : «نایبش و نایبش نامه نویسی رشته ای که در این پنجاه ساله اخیر در اثر تفسیر بازنمای غرب و تحت تاثیر ادبیات غرب با بران آمده نایبش نویسی از صدسال پیش با ترجمه آثار آخوند زاده بوسیله میرزا جعفر قراچه داغی آغاز و پس از او میرزا ملکم خان در این راه گام زد از آغاز حکومت مشروطه به بعد در این رشته صاحبان ذوق کار کرده اند .»

همچنین بنام بوشیج در مقاله تحلیلی و جالب ارزش احساسات در باره ادبیات نوزین به نایبشاهه و نایبشاهه نویسی يك فرم تازه ادبی در ادبیات فارسی که میرسد مینویسد : «اول نمونه های ادبیات نوین ما در آثار بود که از زمانها قدیم شکل تمدنی و تراژدی آن بطور علی و ابتدائی که داشتند در میان ما رواج داشته است . جز اینکه نایبشاهه های میرزا جعفر قراچه داغی که اول بزبان ترکی در تفلیس نوشته شده بود در رساله نوزدهم نایبش های ادبی ما قلمداد میشوند .»

خان لشکران و میوژوردن (که نسخه های خطی و شبلی قدسی آنرا من خود برد چکی خوانتم با مهارت و از روی ذوق و سواد آشنائی به تاترهای دنیائی ساخته شده اند چادوگری های درویش مستعلی شاه و کعب خلقبهای خان لشکران در میان اهل حرم خود يك زبان جور و هجوی نسبت باغلاق صغری و صومی است که در ادبیات ما سابقه ندارد .

بعدها کدیبهائی که توسط نویسندگان متفن «Amateur» نوشته شد يك بی وی از این اقدام بود که به تقلید از تاتر اروپائی میرفت .

مصالح اولیه این کار را شرمه طالب اوف و میرزا ملکم خان و بعد ها (یوسف اعظم الملک) آمار ساخته بودند در این بنیاد ایسی ها، بیسهای نویسنده تا کام رضاء کمال شهرزاد نایبند یک شناسایی وسیع در ادبیات اروپایی دیده میشود از قبیل: (هریزه و هریرم - زودشت و خسرو شیرین) که در تهران نمایش داده شد.

زمینه حیوانی این نوع ادبیات را که از حیث فکر هم در ادبیات ما بسیار تازهگی دارد و در افسانه آفرینش صادق هدایت می توان بدست آورد»
بازی هیتفرد که با این قالب جدید ادبی اندکی آشنایی حاصل شد - کم کم صاحبان ذوق به نگاشتن آثاری در این زمینه تازه پرداختند و این آشنایی در پرتو ترجمه آثار خارجی در زمان سلطنت ناصر الدین شاه بخصوص از فرانسوی ها و دیگر آشنایان نویسندگان به یک زبان بیگانه و خواندن نمایشنامه بر زبان اصلی حاصل شد ابتدا ترجمه و اقتباس میکردند کم کم باصالت ترجمه می بردند و در آثار دیگران دخل و تصرف را جایز بشماره بلکه همانرا بغارسی بر میگردداند و بعد آنها که ذوق نگارش داشتند اگر موضوعی را برای نمایش و نمایشنامه مناسب می یافتند بدوشتش می برداشتند.

رضاء - کمال شهرزاد

از جمله با ذوق ترین این نویسندگان از رضاء کمال شهرزاد باید نام برد او در ۱۲۷۷ هجری متولد شد و در شهر یوزماه ۱۳۱۶ شمسی حیات خود را بدست خویش خاموش ساخت.

رضاء کمال پسر مرحوم میرزا حسن منشی باشی (کمال الدوله) که از دانشمندان آن عصر بوده میباشد.

او از کودکی به شعر علاقه بود هزار و یکصد رادوست داشته و تعلیم شهرزاد به همین مناسبت است و در سن لوژی درس خوانده و بزبان و ادبیات فرانسه سعت علاقه یافته بوده است در جوانی قطعاتی در روزنامه ها و مجلات چاپ کرده و کم کم وارد کارهای ادبی شده ساله اثر ظریف اسکار واپله را با سلیقه خاصی ترجمه کرد و با داشتن در شوق سرخ هکاری کرد و با نظام وفا در مجله وفا.

با دیدن برنامه نمایش بازیگران نقضاری که در سال ۱۲۹۸ در تهران اپرت آرشین مالایان را نشان دادند بشکر درام نویسی و تشکیل یک تروپ هنری افتاد با همکاری قنری - صادق مقدم - حسین لطیفی - سید مجتبی طباطبائی - سید

نقیسی - سید رضا هنری - مشفق کاظمی کامران هابون - کاظم برهان و فروتن این تروپ را تشکیل داد.

مادام پری (پری آقا با یوسف) که تازه از اروپا آمده و تحصیل تئاتر کرده بود حاضر شد نقش اول پرچم پریرا در ادبیات را که شهرزاد نوشته بود ایفا کند.

این نمایش در گرانده هتل اجرا شد پس از آن نمایشنامه های دیگری از ادبیات خارجی ترجمه یا ترجمه و اقتباس کرد همچنین آثاری برای صحنه خودش بوجود آورد - معروفترین آنها عبارتند از: ساله از اسکار واپله - ستاره شرق از هریرم حاج بیگوف - شویبه - (از یک نویسنده آمریکایی است ولی معنیش معلوم نیست) - ساحر و لب اثر منظوم آلفرد دو موس - در سایه حرم - اثر لوسین برنارد - عیاش - شب هزار و یکم - الدلیل - حرم خلیفه هارون الرشید یا هریرم هریرم (اقتباس از آزلو و یکتور هوگو) پرچم پریرا - زودشت مجسمه مرمر - پروانه.

شهرزاد در عصری میریست که تئاتر و نمایشنامه نویسی جای خود را از آنچنان که باید و شاید باز نگردید و اختلاعات و کتابهای فنی نشر نشده و ترجمه آثار خارجی این قدر رواج نیافته بود.

با توجه بشام این مطالب فعالیت او فوق العاده تیریش و از نظر پیشرفت این فن در جای خود موثر بود.

احمد محمودی (کمال الوزاره) از چهره های درخشانی است که هنگام بازی گرفتن تئاتر جدید ایران با نمایشنامه های خود به پیشرفت این فن کمک فراوانی کرد.

در سال ۱۲۹۲ هجری قمری بدینا آمد و در سال ۱۳۰۹ چشم از جهان بست مردی حساس و صاحب ذوق بوده و در طول حیاتش با مشکلات گوناگونی دست بگریبان بوده.

اوپه تئاتر علاقه مند بوده و در تاسیس کردن اولین موسسه نمایشی در ایران (کمدی ایران) حصیم بوده.

میرزا پریرا که مرحوم الوکلاخ از نمایشنامه های اوست که در آن نحوه انتظامات مجلس و انتقاد می کند.

او نخستین نمایشنامه خود را بنام مقبره

فردوسی برای بانوان بمرض نمایش گذاشت.

داستان دروزینه و وزج یکی دیگر از نمایشنامه های اوست که بزبان عامیانه نوشته شده.

نویسنده در این نمایشنامه از مردان دو زن انتقاد می کند.

«مقصر کیست» یک نمایشنامه مضحک دو پرده ای است از او - «نوروز شکن یا قهرمان میرزا لوسوز» در فساد طبقات متاخر نوشته شده.

از آثار احمد مصوری کمال الوزاره فقط حاجی دهبانی خان و استاد نوروزینه دو روز چاپ رسیده.

شیوه نمایشنامه نویسی در ادبیات ایران تازه گی داشت.

نویسنده گانی که در گذشته در این زمینه کار کرده بودند دیگران را بسزوف آورده و آنها نیز بشکر افتادند در این شیوه تازه آثاری بوجود آورده حسن مقدم (علی نوروز) از چهره های درخشانی است که در این فن ذوق خود را آزموده و نمایشنامه هایی از قبیل:

جغرفغان از فرنگ آمده که برای اولین بار در کانون ایران جوان بازی شده و ایرانی بازی که در مجله فرنگستان چاپ رسیده ، نگاشته کانون ایران جوان در این نمایشنامه ظاهر میرزا فرزند اسکندر میرزا نمایشنامه ای بنام هروسى جناب میرزا در دست است که با چاپ سنگی چاپ و منتشر گردیده.

مرضی قلی قنری (مویه السالمک) از مردان آزاد بخواه بوده که نمایشنامه های سربوس کبیر - سرگشت یک روزنامه نگار - حکام قدیم و حکام جدید را نوشته خود اولین ذوق و استعداد هنریشگی داشته و گاهی روی صحنه ظاهر میشده.

ابوالحسن قنری (ذکاء الملک) که در خانواده ای ادب پرور یا برصه وجود نهاده و از دانشمندان عصر خود بوده برای صحنه تئاتر آثاری بوجود آورده - شیدوش و ناهید یا عشق و مردانگی از نمایشنامه های منظوم اوست.

سید نقیسی استاد، نویسنده و محقق از جمله کسانی است که در این جنبش هنری و قنری شرکت داشته و برای تئاتر آثاری بوجود آورده.

آخرین یادگار از در شاه و قربانی یک دختر از نمایشنامه های اوست.

از ذبیح بهروز که در نمایشنامه نویسی سبک خاصی دارد چند قطعه برای صحنه در دست

است که فوق‌العاده جالب و از قطعیات بسی نظیری است که تا بحال در این قالب برشته تحریر درآمده است .

جیبک‌علیشاه - شاهامیران و پانوی ارمن که سناریوی فیلم است ، در دام مهر که بسبک بدیع و نوظهوری نوشته شده و حکیم باشی که تاکنون بیاب نرسیده از جمله آثاری است که ذبیح بهروز برای صحنه نوشته .

میرزاده عشقی آن شاعر و لوسته آزادخواه ابرت رستاخیز سلاطین ایران و چند قطعه دیگر نظیر آن نگاشته که اولی باد کوراسپون زیبایی با شرکت خودش بروی صحنه آمده و یک نایشنامه کمی بنام قرباطلی کاشی نوشته که در دیوانش چاپ رسیده .

از محمد سجازی (مطبوع الفوله) نایشنامه های مروف ، حافظ ، محمود آقار اوکیل کتبه ، عروس فرنگی مسافرت قم ، مادر شوهر مهربان که بعضی از آنها بارها بصحنه آمده و خواستاران فراوانی پیدا کرده ، در دست است .

دکتر سیاسی - سید عبدالرحیم غلغالی علی اسفر گرمسیری - عبدالعسین نوشین فضل الله پایگان - رفیع حالتی - محمد علی فروقی - محمد شب پرست - حبیبعلی مستغان عبدالعسین آبی و علی اسفر نوری از جمله کسانی هستند که برای صحنه آثاری بوجود آورده اند .

هچنین سیدعلیخان نصر - رفیع حالتی علی دریا یکی - غلامعلی فکری - علی اسفر گرمسیری از آثار دراماتیک خارجی ترجمه و اقتباس کرده نایشنامه برای صحنه آماره میباشند .

ترجمه نایشنامه های خارجی

همانطور که سابقاً ذکر شد ترجمه کتب خارجی در زمان ناصرالدین شاه در ایران رواج یافت . و بیشتر از زبان فرانسه ترجمه میشد .

چون ناصرالدین شاه به تازگی علاقمند بود همانطور که ذکر آن رفت دستور داد از مولیر ترجمه کنند پنجاهی برای او نایش دهند . خود این کار ، کم کم ترجمه نایشنامه را در ایران باب کرد و آشنائی با فرم و قالب جدید ادبی که نایشنامه نام داشت ، حاصل شد .

ابتدا از آثار مولیر زیاد ترجمه میشد . مانند مطبیب اجباری ، ترجمه اضداد السلطنت (که در سال ۱۳۲۲ قمری بیاب رسیده) اولین نایشنامه از شکسپیر که بفارسی برگردانده شد ، «جولیوس قیصر»

ترجمه مهرزا محمد خان بهادر میباشد که در بصره بیاب رسیده .

بعد کم کم باینکار ادامه پیدا کرد از آثار مولیر یک پرده ای های فراوانی ساخته شد که باب ذوق مردم نایش داده میشد . آثاری نظیر خارجی ترجمه و بکنجینه ادبی ، تئاتر ایران افزوده شد که از جهت آشنائی با درام و درام نویسی افکار و اندیشه و تکنیک تئاتر نویسی فوق‌العاده قابل استفاده بوده و هست .

ولی همانطور که در شروع سخن اشاره شد تئاتر یک سلطنت را که مردم آن با آداب ، رسوم ، آب و هوا ، خوراک ، پوشاک طرز زندگی ، زبان و غلامه تمدن خاصی آموخته شده اند ، با ترجمه آثار نایشی سلطنت دیگر نیشاند ، بلکه آنچه انتظار دارند اینست که خصوصیات ملی ، مذهبی ، زواری ، همان مردم را که در همان منطقه زندگی میکنند در آثار نایشی شان ببینند با حفظ نامست ها ، سبکها و رنگ هایش .

پایه تئاتر ما شیبه خوانی است با تمام سنت هایش که بجز بزرگی ساختن با شمار میرود و تئاتر ماروی این بی باید بنا کرد منسوخ شد و تیز به خوانیها متناسبه شیبه خوانی هرگز باز بران تئاتر نشدند و سنت ها و فرادادهای شیبه خوانی در عرض نقل از سینه به سینه هم آمدند و با تمام نایشی رفتند . تا با از رونق سابق افتاد و بساط شیبه خوانی بر چیده شد و اکنون تئاترها معلوم نیست بر چه پایه و اساسی استوار است که اینست هنری را پاوت برده و چه نامی میتوان بآن داد .

در حالیکه در داستان نویسی و چون غنوز نویسه گان ایرانی در این رشته جدید ذوق خود را نیاز موده بودند از آثار خارجی کمک گرفته میشد . و با اسامی اشکال و سرگات و کتبا ایرانی ، بازی میشد . کلوبها و اجنشینهای متعددی بسا گرفت و نویسنده گانی بی نشان پیدا شد که در این رشته همانطور که از آن سخن رفت ذوق خود را آزمودند و موفق شدند . ولی در گامهای نخستین همان ترجمه ها بود که با آنها آموختن از چه راه برود .

بعد از شهریور ۱۳۲۰ تئاتر رونق بیشتری پیدا کرد و با زاد ترجمه گرمتر از سابق شد و نایشنامه های زیادی از نویسنده گان بیگانه بفارسی درآمد .

محمود فرزاد ، عبدالعسین نوشین - رضا آذخش ، علی شهبیه ، حسن زه آورد بزرگ علوی - جلال آل احمد - از مترجمین نامدار این دوره هستند که بتئاتر ایران از لحاظ خلقی ساختن گنجه ادبی آن خدمت

کرده اند .

در این چند سال اخیر از لحاظ کیفیت و کیفیت مطبوع ترجمه نایشنامه با لافرت و در جهت مثبت تغییراتی کرد و بسیاری از امثال : هدایت ، جمالزاده ، علوی چوپک و ... پیدا شدند و قسمه های کوتاه را با سبک جدیدی باب کردند و در این زمینه جنبشی قابل اهمیت و درخور توجه حس شد .

در حالیکه زمینه نایشنامه نویسی بر پایه و اساس سنت های نایشی گذشته و نقد صیات و رنگ خاص خود در ایران هنوز خالی است .

برای تنظیم این نوشته از منابع ذیبر استفاده شد . مقاله ای از یک مستشرق روسی بنام کالوف مجله تئاتر - مجله موسیقی دوره اول - مجله سخن بنیاد نایش در ایران از . ابوالقاسم

چندی کتاب تیزی شارل ویرلود مجموعه نایشنامه های پرنس ملک خان نایلم الموله نایشنامه ایرانیان از : اشیل شهرزاد و زندگانی و آتارش از : ابوالقاسم چندی



دعوت به همکاری

برای آنکه نکات تاریک تاریخ تئاتر ایران روشن گردد و بهتر و کاملتر بتوانیم بحثی در باره نایش و تئاتر ایران نسوزد ما شیم از معظمین و معظفینی که در این زمینه تخصص نموده اند دعوت مینمائیم که نظریات خود را برای ما بفرستند بدون شک نظریات ایشان برای ما و خوانندگان مجله نایش قابل استفاده است و مورد توجه واقع میگردد

